

## واکنش به حضور قشون خارجی در ایران

(طی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۲۷ق. / ۱۲۸۹-۱۲۸۷ش. / ۱۹۱۱-۱۹۰۹م.)

فاطمه سهیلی<sup>۱</sup>  
آسیه حسینی<sup>۲</sup>

### چکیده

نهضت مشروطه به عنوان نقطه عطفی در تاریخ ایران، جنبه‌های گوناگونی از زندگی سیاسی- اجتماعی و فرهنگی ایرانیان را تغییر داد؛ از آن جمله تحوّل در نگرش ایرانیان نسبت به نقش آفرینی و مشارکت در تعیین سرنوشت کشور و حساسیت نسبت به روابط دیپلماتیک با دول دیگر. در سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۲۷ق. / ۱۲۸۹-۱۲۸۷ش. / ۱۹۱۱-۱۹۰۹م. روسیه و بریتانیا نیروهای نظامی خود را به بهانه تأمین آذوقه و رفع ناامنی وارد کشور کردند. این مسأله، واکنش ایرانیان را در مجلس و مطبوعات و نیز در میان مردم برانگیخت. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ایرانیان به جای اقدامات هیجانی و احساسی، کوشیدند تا با شیوه‌های دیگری از جمله اقدامات دیپلماتیک، آگاه کردن ملت‌های دیگر نسبت به تعدیات روس و انگلیس به ایران و غیرقانونی بودن حضور قشون بیگانه در کشور و برانگیختن همدردی آنان، تحریم کالاهای کشور متجاوز (روس) و تحریم عید نوروز اعتراضات خود را آشکار کنند.

### واژگان کلیدی:

ایران، قشون خارجی، روس، انگلیس، واکنش‌ها

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۴/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۶/۱۶

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی yas.soheily@gmail.com

<sup>۲</sup>. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اراک asiye.hosseini@gmail.com

## مقدمه

پس از نهضت مشروطه و گشایش مجلس، بینش غالب ایرانیان نسبت به سیاست داخلی و خارجی کشور تغییر کرد، چندان که خود را در تغییر سرنوشت کشور سهیم می‌دیدند. تغییر شرایط بین‌المللی، اهمیت ایران را در نظر کشورهای همسایه سخت افزایش داده بود و سیاست موازنه مثبت که کارگزاران ایرانی برای توازن قدرت میان روسیه و انگلیس دنبال می‌کردند، بر شدت مداخلات دو دولت می‌افزود. از دیگر سو، محمدعلی شاه دست در دست دشمنان خارجی، در تضعیف مشروطه و مجلس می‌کوشید. فرجام همکاری مشترک محمدعلی شاه و روس، به توپ بستن مجلس اول و آغاز استبداد صغیر است. حدود یک‌سال مردم مبارزه نفس‌گیر با مستبدان را ادامه دادند. محمدعلی شاه برای تسلیم مشروطه‌خواهان، تبریز نخستین پایگاه مقاومت ملیون را محاصره و راه‌های ورود آذوقه به شهر را مسدود کرد. بدین ترتیب، برای مداخله نظامی، بهانه به دست روس و انگلیس داد. در اوج درگیری میان مستبدان و مشروطه‌خواهان، نیروهای نظامی روسیه و انگلستان با عنوان رفع ناامنی و لزوم حفاظت از اتباع بیگانه مقیم ایران و رساندن آذوقه و تدارکات به آنان وارد کشور شدند. قرارداد ۱۹۰۷ م. روس و انگلیس «به روسیه اجازه داد به هنگام انقلاب مشروطه و قیام تبریز قوای خود را وارد ایران کند» (گروته، ۱۳۶۹: ۲۶۵-۲۶۴). موضوع خروج قشون روس و انگلیس از کشور باید از طریق دیپلماسی و وزارت امور خارجه پیگیری می‌شد و مجلس نیز، چاره‌ای جز پیگیری این قضیه از طریق دولت و اصرار به وزیر امور خارجه نداشت تا قشون خارجی هر چه زودتر از کشور خارج شوند، اما برای مردم، تحمل تعدیات قشون خارجی آسان نبود.

## حضور نیروهای روسی در ایران

بر اساس مندرجات روزنامه‌های پایتخت روسیه، چون «دولت انگلیس به واسطه دوری راه و اشکالات دیگری که برای قشون کشتی به ایران در پیش دارد، نمی‌تواند در همان زمان که

روس‌ها قشون به ایران وارد می‌کنند، او هم همان عمل را انجام بدهد، لذا ژنرال افریج<sup>۱</sup>، مأمور نظامی انگلیس] برای گفتگو و مذاکره در کیفیت رفتن قشون روس به ایران به پطرسبورغ مسافرت کرده است و بر طبق قراردادی که میان آن‌ها منعقد شده حفظ منافع انگلیس در ایران به عهده قشون روس واگذار شده است» (ملکزاده، ۱۳۳۰: ۳۶). نیکیتین نیز به تصریح به این امر اشاره کرده است که بنا به درخواست رسمی بریتانیا در سال ۱۳۲۷ق. / ۱۲۸۷ش. / ۱۹۰۹م. شمال ایران اشغال شد. (نیکیتین، ۱۳۲۹: ۳۹-۳۸) و این در صورتی بود که میلیون‌ها تمام توان خود در حفاظت اتباع بیگانه می‌کوشیدند و مخبران روزنامه‌های خارجی در کشور خود اذعان داشتند که هیچ خطری اتباع بیگانه مقیم ایران را تهدید نمی‌کند.

سرانجام میلیون‌ها تحمل مشقت‌های بسیار، موفق به فتح تهران، خلع محمدعلی‌شاه و انتصاب احمدمیرزا ولیعهد به سلطنت و استقرار حکومت قانون شدند، اما قوای خارجی حاضر در کشور، با وجود برقراری امنیت و رفع احتمال تهدید و خطر، از تخلیه ایران خودداری می‌کردند. «از ابتدای مشروطه، آزادی‌خواهان همیشه سعی می‌کردند که برخوردی با روس‌ها پیدا نکنند. چنانکه در قضیه بمباران مجلس هم، آزادی‌خواهان تلفات سختی را تحمل کردند، ولی حاضر نشدند به صاحب‌منصبان روسی تیراندازی کنند از ترس این‌که مبدا این عمل موجب دخالت روس‌ها بشود» (نوابی، ۲۵۳۶: ۱۸۹). انگلیس‌ها و روس‌ها دائم از ناامنی ایران سخن می‌گفتند. به نوشته کلنل سر ویلیام فردیک اوکانر<sup>۲</sup>، سرپرست کنسولگری بریتانیا در سیستان و سرکنسول شیراز در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۲۷ق. / ۱۲۹۳-۱۲۸۷ش. / ۱۹۱۵-۱۹۰۹م.: «همه ماهه از تمام ایالات گزارش‌هایی با مضمون‌های مشابه به تهران فرستاده می‌شد: کاروان‌ها غارت شده‌اند، اتباع بیگانه مورد حمله و دستبرد قرار گرفته‌اند، عشایر شورش کرده‌اند، راهزنان مردم را به وحشت انداخته و شهرهای مهم را غارت کرده‌اند، جاده‌های جنوبی کشور برای تجارت ناامن شده‌اند» (اوکانر، ۱۳۷۶: ۵۱-۵۰).

1. Frich

2. Colonel Sir Fredrick OConnor

حضور قشون خارجی در شهر و میان مردم و تعدیات آنها، خشم ایرانیان را برمی‌انگیخت. روس‌ها همواره مانع اصلاح و انتظام امور می‌شدند و قشون انگلیس نیز در جنوب حضور داشت. چنین به نظر می‌رسید که خود ترتیبی برای غارت مال‌التجاره‌ها یا اموال اتباع خود می‌دهد تا دست‌آویزی برای ابقای سواران هندی داشته باشد؛ با این همه سربازان بریتانیا به نسبت روس‌ها کمتر در دسرافرین بودند. اقدامات انگلستان و روسیه از لحاظ انگیزه و نوع متفاوت بود؛ انگلیسی‌ها قصد نداشتند مردم محلی را بترسانند، بلکه سعی می‌کردند امنیت و آرامش عمومی را برقرار کنند تا در پرتو آن تجارت پرسودی داشته باشند. از این‌رو «اقدامات انگلستان جنبهٔ تدافعی داشت و اقدامات روس‌ها تهاجمی» (آوری، ۱۳۶۳: ۳۰۰). در واقع، بریتانیا با سیاست پیش می‌رفت و با تمام توان خود می‌کوشید مخالفت و اعتراض کمتری برانگیزد. بریتانیا هم‌زمان با روسیه «در ساحل خلیج فارس نیرو پیاده کرده، شهرهای بی‌دفاع را گلوله باران می‌کردند و شهرهای بوشهر، لنگه و بندرعباس را متصرف شده به آزار و تعقیب انقلابیون پرداختند» (ایوانف، ۲۵۳۷: ۶۳). انگلستان پس از مدت کوتاهی قشون مازاد خود را خارج کرد، اما بهانه‌جویی‌های روس تمامی نداشت: «حکومت تزاری مقاصد خود را در مورد کنترل دائمی منطقه شمال به طور علنی ابراز نمی‌کرد، اما هر بار بهانه‌های تازه‌ای برای ادامه اشغال شمال مطرح می‌کرد» (آفاری، ۱۳۷۹: ۳۷۱). برای نمونه، پیش‌شرط آلکساندر ایزولسکی<sup>۱</sup> وزیر امور خارجه روسیه برای خروج قوای این کشور، ضمانت دولت برای باز بودن همهٔ راه‌های تجاری شمال عنوان شد، یا حضور انقلابیون قفقازی در ایران، اعزام نیروهای قزاق از باکو برای حمایت تاجر ارمنی روس لیانوزوف<sup>۲</sup>، در محرم ۱۳۲۸ق. / بهمن ۱۲۸۸ش. / فوریه ۱۹۱۰م. و بسیاری موارد دیگر، همهٔ اینها دست‌آویزی برای مداخله در امور ایران و اعمال نفوذ سیاسی بود (همان: ۳۷۲-۳۷۱).

روسیه طی بیانیه‌ای در ۱۳۲۷ق. / ۱۲۸۷ش. / ۱۹۰۹م. و پیش از اعزام قشون به ایران برای دول اروپا تصریح کرد: «تجاوز یک قسمت از این قشون منوط به بروز حوادث خواهد بود

<sup>۱</sup>. Alexandre Petrovich Izolskii

<sup>۲</sup>. Lianazov

و فقط بسته به خواهش سفارت روس در طهران در موقع بروز حوادث فوق‌الذکر می‌باشد. به فرمانده قشون دستورالعمل‌های مصرح داده خواهد شد که فقط مقصود از این استعداد حمایت سفارت روس و سایر دول و تأسیسات اتباع اروپایی می‌باشد و از مداخله در منازعات پلتیکی که فعلاً در ایران شیوع دارد و کلیه از مداخله در امور داخلی ایران احتراز خواهد کرد. قشون روس فقط تا وقتی در ایران اقامت خواهد کرد که موجبات اطمینان نمایندگان روس و سایر دول و رعایا و تأسیسات اروپایی کاملاً فراهم آید و به مجرد حصول و تأمین خارج خواهند شد» (ترجمه روزنامه طیمس. روزنامه مجلس، ش ۴، س ۳، ص ۳. ۱۱ رجب ۱۳۲۷).

### واکنش مجلس شورای ملی در موضوع اقامت قشون روس در کشور

مجلس دوم در نخستین روز ماه ذی‌قعدة ۱۳۲۷ ق. / ۲۳ آبان ۱۲۸۸ ش. / ۱۴ نوامبر ۱۹۰۹ م. افتتاح و از ۷ ذی‌قعدة فعالیت آن آغاز شد. بدین ترتیب، حدود ۴ ماه و ۱۰ روز پس از فتح تهران، مجلس شورای ملی به عنوان قوه قانون‌گذاری پا به صحنه سیاست کشور نهاد. در طول این چند ماه، مجلسی با عنوان "مجلس عالی" یا "شورای عالی" عهده‌دار امور بود. در این مجلس، افرادی همچون سپهدار وزیر جنگ، سردار اسعد وزیر امور داخله، ناصرالملک وزیر خارجه (تا آمدن او مشارالسلطنه جای او را داشت)، فرمانفرما وزیر عدلیه، مستوفی الممالک وزیر مالیه، سردار منصور وزیر پست و تلگراف عضویت داشتند. «چون سررشته کارها در دست خود کمیسیون بود رئیس الوزراء برنگزیدند و نیز به یفرم خان ریاست نظمیة تهران و حکمرانی اصفهان را به صمصام‌السلطنه سپردند» (کسروی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۱).

در همین اوان، روسیه به بهانه آلودگی اردوگاه و شرایط نامناسب بهداشتی در قزوین، قشون خود را از قزوین به سمت تهران حرکت داد. در باب این مسأله در جلسه روز یکشنبه ۹ ماه شوال ۱۳۲۷ ق. / ۲ آبان ۱۲۸۸ ش. / ۲۴ اکتبر ۱۹۰۹ م. در مجلس عالی مذاکره شد. وکیل‌التجار اظهار داشت: «از طرف وزارت خارجه با سفیر مذاکره شود که علت توقف سالدات‌های روس در ایران به چه جهت می‌باشد و قصد آنان از این توقف چیست. اقلأ تا امروز از طرف وزارت خارجه باید مبلغی در این خصوص مذاکره شده باشد که مدت توقف حضرات تا

کی خواهد بود و چنانچه به جهت ناامنی است که دیناری از مال خارجه تاکنون عیب نکرده. سپس پاسخ وزیر خارجه در باره مذاکراتش با سفیر روس قرائت شد که سفارت در مورد پراکنده شدن قشون در راه تهران ابراز داشته که فقط به منظور بدی آب و هوا بوده و دلیل دیگری نداشته است» (روزنامه مجلس، ش ۳۶، س ۳، ص ۱۳۰۱ شوال ۱۳۲۷).

در بیانیه رسمی دولت هنگام افتتاح رسمی مجلس دوم نیز، بیم و هراس عمومی از حضور قشون روس در کشور منعکس شد: «نگرانی که از حضور قشون خارجه در خاک ایران مستولی اذهان است با نتیجه حسنه که از مذاکرات دوستانه و مواعید صریحه مشاهده می‌نماییم اطمینان داریم که عمأ قریب مرتفع شده و احساسات دول دوست بیشتر به ملت ما ظاهر گردد» (مستشارالدوله، ۱۳۶۲: ۸۴/۲). پس از آن نیز، مجلسیان در خصوص حضور نیروهای روس در کشور اقدامات وزیر امور خارجه را پیگیری می‌کردند. در جلسه روز شنبه ۲۴ شهر محرم ۱۳۲۸ ق. / ۱۶ بهمن ۱۲۸۸ ش. / ۵ فوریه ۱۹۱۰ م. با حضور معاون وزیر امور خارجه ثقه‌الملک در باب این موضوع به تفصیل مذاکره شد. یکی از نمایندگان به نام وزیرزاده گفت: وزیر امور خارجه ما البته فراموش فرموده‌اند، در موقعی که کمیسیون عالی منعقد بود نمایندگان ملت کتباً و شفاهاً از وزیر امور خارجه خواستند که هر چه زودتر در اعاده قشون روس از این خاک اقدامات مجدانه بنمایند و نتیجه اقدامات خودشان را هم به ما اطلاع بدهند. ایشان هم قول صریح دادند که عمأ قریب خواهند رفت و دل‌های افسرده شما شاد خواهد شد، لکن متأسفانه می‌بینیم نصف فعالیت از قاموس وزارتخانه ما خارج شده قطع نظر از اینکه به وظیفه شخصی خودشان اقدام نکرده به پیشنهاد نمایندگان ملت هم وقعی نگذاشته، چنانچه در این مدت از اقدامات مجدانه ایشان هیچ نتیجه نگرفته‌ایم.

ثقه‌الملک معاون وزارت امور خارجه پاسخ داد: بخشی از قشون روس از تبریز و اردبیل و قزوین رفته‌اند. حاجی میرزا رضاخان در پاسخ وی گفت: اینکه معاون وزارت خارجه گفت که دسته دسته رفته‌اند، بلی این را ماها شنیده‌ایم لکن نرفته‌اند، جایشان را عوض کرده‌اند، از تبریز رفته‌اند به جلفا، از قزوین رفته‌اند به اردبیل و از این توقف بلکه تبدیل مکان قلوب اهالی متزلزل شده، بلکه این مهمان‌های ناخوانده ما عرصه را بر اهالی تنگ کرده‌اند و اهالی از دیدن هیکل

روس‌ها در معابر موخس می‌شوند و شب‌ها بعضی حرکت‌ها می‌کنند. مجلس نمی‌تواند در مقابل با این حرف‌ها قانع شود که خواهند رفت.

حاجی شیخ علی اضافه کرد: بنده که با این توضیحات قانع نیستم و اینکه فرمودند قدری حرکت کرده است از جمله نقاطی که قشون روس در آنجاست مشهود مقدس است که ابداً حرکت نکرده‌اند از آنجا.

معاون وزارت امور خارجه پاسخ داد: مقدار زیادی از این قشون رفته است از قزوین و از اردبیل و از آذربایجان از تمام این نقاط رفته است. البته می‌دانند قشون روس که به اردبیل حرکت کرده بود چهار هزار و ششصد نفر بود و حالا بیش از هزار نفر نیست.

تقی زاده گفت: نه ماه تمام است که قشون روس در اینجا اقامت دارند. مردم گمان می‌کردند اول اقدام دولت جدید در اخراج آنهاست، ولی وزارت امور خارجه یک ذره اقدام نکرده است. امروز از اقامت قشون روس هر ایرانی ناله می‌کند. ناله می‌کند گوشت و پوست و استخوان هر ایرانی که چرا قشون اجنبی در خاک ما اقامت دارند. اینکه می‌گویند دسته دسته می‌روند بنده می‌گویم همان قسم که گفتند جایشان را عوض می‌کنند، یک قسمت از تبریز رفتند، اما کجا رفتند؟ رفتند به جلغا از قزوین رفتند، اما به انزلی و سایر نقاط عرض می‌کنم. یکی از مطالبی است که تکلیف هیئت وزراء بلکه از وظایف نایب السلطنه هم هست که اقدام نمایند در اخراج این قشون. برای اینکه در آنجا هم که شاه یا نایب السلطنه را مسئول نمی‌دانند قید شده است آنها مسئول هستند به استثنای دو مورد یکی در استقلال مملکت؛ پس در واقع در این گونه امور نایب السلطنه هم مسئول است، باید متفقاً اقدامات نمایند و نتیجه اقدامات خودشان را هم اطلاع بدهند. من اطمینان کامل می‌دهم که در این نه ماه این اقدام نشده است (صورت مذاکرات مجلس، جلسه روز شنبه ۲۴ شهر محرم ۱۳۲۸ق.).

به نوشته نوایی: «در این جلسه علاء السلطنه وزیر خارجه شخصاً حضور داشته ولی نمایندگان توضیحات وی را قانع کننده ارزیابی ننموده و اکثریت با ارائه ورقه کبود، رأی عدم اعتماد خود را اعلام کردند و علاء السلطنه را از وزارت عزل و میرزا اسماعیل خان ثقة‌الملک معاون وی را به وزارت امور خارجه منصوب نمودند» (نوایی، ۲۵۳۵: ۱۴۷).

در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۲۸ ق. / ۹ خرداد ۱۲۸۹ ش. / ۳۱ می ۱۹۱۰ م. نیز با حضور معاون وزیر امور خارجه بحث‌هایی در این زمینه صورت گرفت و در مجموع، مجلس به طور مستمر بر دولت فشار می‌آورد و خواهان اقدامات جدی و قاطع در اخراج قشون روس بود و اقدامات دولت را کافی نمی‌دانست. حتی استیضاح وزیر امور خارجه علاء‌السلطنه کرد و عدم کسب رأی اعتماد وی و انتصاب ثقه‌الملک به وزارت، اصل قضیه را تغییر نداد. پس از مدتی روسیه اعلام کرد که برای خروج قشون خود از ایران، خواهان امتیاز معدن مس قراچه‌داغ و اتومبیل‌رانی در راه رشت به تهران است. بدین ترتیب آشکار شد که حتی بهانه‌ای هم برای حضور قشون روس در ایران وجود ندارد و تنها قصد روسیه امتیازخواهی است.

### واکنش مردم نسبت به حضور قشون روس در کشور

در این وضعیت، نهادها و تشکل‌های مردمی هم وارد صحنه شدند و اعتراض‌های ایرانیان در قالب‌های منسجم‌تری جریان یافت. روحانیت و فعالان سیاسی مراقب بودند که حرکتی نسبت به اتباع خارجه صورت نگیرد تا بهانه‌ای به دست دولت روس نیافتند، اما رفتارهای ناپسند نیروهای روسی در کشور نسبت به اهالی به ویژه در قزوین قابل تحمل نبود. حتی با وجود تذکر به فرماندهان روس برای نظارت بر اعمال زیردستان خود، این جریان ادامه می‌یافت و برخی بر این نظر بودند که سالدات‌های روس شاید به عمد و قصد تعدی می‌کنند تا مردم را به خشم آوردند و واکنشی هیجان‌آمیز بروز کند تا روسیه از آن حادثه، به مقصود و نتیجه دلخواه برسد.

نمونه‌های بسیاری از سوءرفتار سالدات‌های روسی با مردم ایران نقل شده است، از جمله گزارشی از خبرنگار روزنامه فرانسوی لوسیکل<sup>۱</sup>: «رفتار سربازان روسی در تقریباً سراسر منطقه شمال ایران، روز به روز غیرقابل تحمل‌تر می‌شود و شدیداً احساسات مذهبی و وطن‌پرستانه مردم را جریحه‌دار می‌سازد. بدمستی این سربازان و تحقیر آشکار مذهب اسلام توسط آنها،

<sup>۱</sup>. Le Siecle

عواملی هستند که این نهضت اعتراض‌آمیز را به وجود آورده‌اند. اکنون چنین اظهار می‌گردد که هدف روس‌ها چیزی نیست مگر ایجاد بی‌نظمی. در جایی که در حال حاضر این بی‌نظمی وجود ندارد، تا بتوانند خود را در این کشور مستقر ساخته و تا آنجا که امکان دارد در آنجا باقی بمانند. هرگونه نظریه دیگری مخالف شواهد واقعی خواهد بود» (براون، ۱۳۸۰: ۳۲۷).

اعتراض مردم به حضور قشون بیگانه در کشور به سه شکل بروز یافت.

۱. تحریم کالاهای روس
۲. برگزاری تجمع‌های سیاسی، اعتراض رسمی به دولت‌ها و سعی در برانگیختن احساسات همدردی کشورهای دیگر
۳. استفاده از موقعیت‌هایی همچون عید نوروز برای ابراز مخالفت و تحریم عید به صورت اعتراضی

### الف) تحریم کالاهای روسی

روند حمایت از تولید داخلی و اجتناب از خرید کالاهای خارجی از سال‌ها پیش آغاز شده بود. به گزارش ابوت<sup>۱</sup> کنسول بریتانیا در ۱۲۶۰ق./۱۲۲۳ش./۱۸۴۴م. شماری از بانفوذترین تجار تبریز اعتراضیه‌ای به بهمن میرزا حاکم آذربایجان فرستادند تا «ورود کالاهای وارداتی را به خاطر لطمه‌ای که بر تولیدات داخلی وارد آورده‌اند، کلاً ممنوع کند»، ولی به این اعتراض توجه نشد. چنانکه تجار و صنعتگران کاشان و اصفهان نیز چنین مطالباتی داشتند (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۳-۳۱۲) و انجمن اسلامی اصفهان به همین منظور ایجاد شده بود، اما در این دوره، تأکید دوباره برای ابراز تنفر از سیاست‌های روس و بریتانیا بود.

آخوند ملاً محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی نیز از نجف، در تلگرافی به مجلس شورای ملی اعلام کردند: «...عجالتاً مجاهده اقتصادی ترک امتعه روسیه بالکلیه که اولین قدم دینداری و وطن خواهی است بعون الله تعالی و حسن تأیید باید سریعاً اقدام شود...» (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۱۶، س ۱۸، ص ۹. ۱۳ شوال ۱۳۲۸)، در حالی که آلمانی‌ها

<sup>۱</sup>. Keith Edward Abbott

«به آسانی محصولات خود را در تبریز عرضه می کردند. اجناس آلمانی ارزانتر از کالاهای رقیب بود، به همین دلیل ایرانیان آن را بر کالاهای گران قیمت روسی ترجیح می دادند» (آبادیان، ۱۳۸۳: ۵۱۳).

واکنش به این حکم در بخش های مختلف کشور شدت و ضعف داشت، اما مسأله انکارناپذیر در این میان، احساس مشترک تنفر از روسیه در ایران بود که به دو نمونه از آن اشاره می شود:

به دنبال حکم تحریم کالاهای روسی، در مشهد و در مسجد گوهرشاد، مجلسی با حضور جمعی از علما و تجار و کسبه برگزار شد. سخنرانان «از تجاوزات حقوق شکنانه روس نطق های آتشین و بلیغ نمودند، خون های اهالی در شریان به جوش آمده یک نفر از طلاب محترم عمامه خود را میان بخاری انداخته و سوزانید. چند نفر هم از جوانان با غیرت در همان مجلس پیراهن و کراوات را میان بخاری انداخته تبدیل به کرباس وطنی نمودند. بالاخره حرمت استعمال امتعه روس را جمیع علما در همان مجلس فتوا دادند. تمام تجار به عمال خود در روسیه تلگراف نمودند که دیگر متاع روس از جهت ایران خریداری ننمایند و الان در تمام مجالس روضه خوانی عوض چای، قهوه شیر با عسل می دهند. فتوای علمای مشهد نیز چنین بود که نظر به تجاوزات دولت روس عموماً و احکام حجج اسلامیه خصوصاً از امروز به ترک امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خودمان اجناس این دولت جابر را به نظر بی قابلیت دیده و کلیه مال التجاره از قبیل قند و چای روس و سایر اقمشه و اشیا را بر خود حرام دانسته و هر کس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند او را از کسوت روحانیت عاری شناخته و با او آمد و رفت را موقوف خواهیم کرد» (همان، ش ۳۱، س ۱۸، ص ۷-۶، ۶ صفر ۱۳۲۸).

در اصفهان علما اعلامیه ای با عنوان "معاهده نامه علمای اعلام یا ارشاد عامه در حفظ اسلام" صادر کردند: «عموم مسلمانان ایرانی و کافه برادران ایمانی را که با کمال اتحاد و اتفاق و ارشاد، اعلام می نماییم، نظر به مصالح حفظ اسلام، عموم علمای اعلام اصفهان عازم شده ایم و بر خودمان فرض ذمت اسلامیت نموده ایم که به کلی دادوستد و معامله با شعبه بانک استقراضی روس که به اصفهان آمده است موقوف و متروک داریم. صلاح مسلمین را هم

نمی دانیم که با او معامله کنند. در باب استعمال قند و شکر و چای روسی هم عموم علمای اعلام ترک نموده اند و در سایر امتعه روسیه در موقع خود هم اعلام خواهد شد». تجار اصفهان نیز در اعلامیه‌ای چنین پاسخ دادند: «تجار محترم اصفهان هم در این وظایف حقه اسلامیة کمال مساعدت را با علمای اعلام دارند و تلگرافات منع حمل قند و شکر و قماش روس به نقاط لازمه کرده‌اند. عموم مسلمین بدانند که مادام که قشون روسی در بلاد و سرحدات ایران هستند، با این عزم باقی هستیم». آقا محمدتقی نجفی هم بر این تصمیم صحّه نهاد: «این تکلیف را که علمای اعلام و حصون اسلام و جمعی از معتمدین تجار مقرر فرمودند، مقرون به صلاح است، حقیر هم معمول داشته‌ام» (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۴۷). در چندین نامه تقی‌زاده نیز به لزوم مبارزه با امتعه خارجی بر اساس «عرق اسلامیّت و رگ غیرت و تعصب ملت» اشاره شده است (تقی‌زاده، ۱۳۵۹: ۶۵-۶۱).

در استرآباد هم، فتوای آخوند خراسانی را حاج شیخ محمدحسین مجتهد برای عموم اهالی قرائت کرد و از آن هنگام «خوردن قند و چایی و پوشیدن امتعه خارجه را بر خود و کسان شان حرام ابدی فرموده و نیز در هفته دو روز با جمعی از آقایان علما در محل مخصوص که موسوم به هیئت علمیه علما می باشد مجلس منعقد و در خصوص ترک امتعه خارجه و رواج منسوجات روسی مذاکره می فرمایند» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۵، س ۱۹، ص ۲، ۲۰ رجب ۱۳۲۹).

اشتیاق اهالی مشهد در ترک امتعه روس به ترشیز نیز رسید: «عموم نفرت و انزجار قلبی خود را اظهار داشته و به ترک استعمال امتعه روس کلیه عازم شد، فعلاً مجالس روضه خوانی در عوض قند و چای نعم‌البدل حلیم و آب گوشت و قهوه و عسل قرار دادند. خیلی هم مطلوب و خداپسند است. استعمال قند و شکر روس را مردم در خانه‌های خلوت هم ترک کرده و روح اسلامیّت را از خود خوشنود نموده‌اند» (همان، ش ۳۳، س ۱۸، ص ۱۲، ۲۰ صفر ۱۳۲۸).

بنا بر سندی از انجمن ایالتی خراسان: «طول توقف قشون نظامی روس و تعدیات فوق الطاعه آنها کار اهالی را به جان و کارد را به استخوان رسانیده و در ترک امتعه و تجارت با روس ها مصمم هستند و بدون حصول نتیجه ولو به خروج قشون حاضره روس از خراسان و

سایر نقاط و ترک تعدیات آنها نمی توان اهالی را مجبور به استعمال نمود، اگر اندکی مسامحه شود صدا از همه جا بلند و کار صورت دیگر پیدا می کند که اصلاح آن از قوه خارج خواهد بود» (آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۲۳/۶/۱۳۳۰/۱۳۳۰/۲/۱۴۳).

حکم تحریم به کرمان نیز رسید: «در کرمان قند و چای معمول نیست و تنها کالایی که از روس می آید نفت می باشد و اقمشه از یزد و مشهد و تهران و بندرعباس به آنجا می آید و معلوم نیست مال کدام دولت است اما اگر اهالی در پای خرید متوجه شوند که مال روس است خریداری نمی نمایند» (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۳۴، س ۱۸، ص ۱۲، ۲۷ صفر ۱۳۲۸).

### ب) تجمع سیاسی و اعتراض و جلب همدردی کشورهای دیگر

مردم شهرهای مختلف کشور به تناسب میزان آزرده‌گی از حضور قشون روسیه در ایران، فریاد دادخواهی خود را بلند کردند. از سوی دیگر، ایرانیان خارج از کشور نیز از پای ننشستند و علمای نجف مستقیماً با امپراتور روس وارد مکاتبه شدند: «قشون خود را به بهانه فتح طریق ارزاق برای تبریز (در صورتی که قبل از آن مفتوح شده بود) و اسم حفظ قونسلات (در حالی که کاملاً محفوظ بود) به آذربایجان و بعد از این هم به اسم حفظ تجارت (با این که همیشه محفوظ بوده و هست) به قزوین و نقاط مهمه دیگر سوق نموده»، آنها در ادامه، رفع از مداخلات استقلال‌شکنا قشون روس شدند (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۳۳، س ۱۸، ص ۴، ۲۰ صفر ۱۳۲۸). نامه‌هایی نیز از آخوند خراسانی به قنصل روس مقیم بغداد در اعتراض به حضور قشون روس در ایران در دست است که نمونه‌ای از آن در روزنامه مجلس شماره ۱۶ سال ۴ صفحه ۳ به تاریخ ۲۹ رمضان ۱۳۲۸ ق. / ۱۱ مهر ۱۲۸۹ ش. / ۴ اکتبر ۱۹۱۰ م. منتشر شده است. ایوانف روسی با ذکر گسترش سریع احساسات ضدامپریالیستی در کشور آورده است: «در بسیاری از شهرهای ایران، تظاهرات و میتینگ‌های توده‌ای، علیه اشغال نواحی شمال و جنوب ایران از جانب قشون خارجی روس و انگلیس ترتیب داده شد» (ایوانف، ۲۵۳۷: ۶۳).

حدود هشت هزار نفر از اهالی گیلان با شرکت در تجمعی، علیه مداخلات روسیه اعتراض و بیانیه‌ای صادر کردند: «ما برای گرفتن حقوق خود است که دست به اسلحه برده‌ایم، در جریان فعالیت در راه کسب حقوق مان، به مال و جان هیچ تبعه خارجی مشغول کسب و تجارت در مملکت مان تجاوز نمی‌شود... حکومت روسیه همسایه‌مان، با سوق دادن بدون علت قزاق و کشتی جنگی به مملکت مان، موجبات رنجش ما را فراهم می‌آورد. این موارد را ما به موقع پروتست کرده‌ایم. به این هم اکتفا نکرده، رسماً پاسخ داده است که اگر باز هم لازم باشد، قزاق خواهیم آورد... ما در این خصوص به واسطه همه کنسول‌ها به دولت امپراتوری روس اعلام می‌کنیم... در صورتی که استدعای به حق و به جای ما به سمع قبول پذیرفته نشود و حقوق وطنیه مان از جانب یک حکومت قوی مورد تجاوز قرار گیرد، ما حاضریم که مملکت خود را گرفتار خطر اعلام کرده، با قوای موجود خود به مقابله بپردازیم؛ حتی اگر این مقابله به بهای جان همه مان تمام شود» (رسول زاده، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۳). در انزلی نیز دو روز بعد از تجمع سبزه میدان رشت، تجمعی به همین منظور برگزار شد (همان: ۱۳۷).

در اصفهان نیز «مجلس عالی تجار و عامه رؤسای اصناف در تحت یک نظم و ترتیبی مخصوص در تیمچه جناب حاجی ملک التجار تشکیل یافت» که غرض آن «بروز حسیات وطن خواهانه و اظهار عدم رضایت از تجاوزات همسایه بود». در بخشی از بیانیه این تجمع که برای تمام «سفرای عظام و جراید ملی مجلس، استقلال، ایران نو و پلیس ایران» ارسال شد، آمده است: «در این مدت هیچ شنیده نشده که از حزب ملتیان خطری به آنها [دولت‌های همسایه] متوجه یا ضرری رسیده باشد. چنان چه با این انقلابات مقتضیه تبدیل حکومتی همسایه شمالی ما، ادارات تجارتي و شاخه‌های بانک استقراضی را هر روز به هر جا با کمال اطمینان امتداد می‌داد... مع ذلک با این همه رعایت دوستی، با این همه حفظ مناسبات و دادیه، دولت روس چهارده ماه است بدون هیچ حق و برخلاف انصاف، قشون خود را در چندین نقطه‌ی وطن ما نگاه داشته و به مداخلات حق شکنانه استقلال ایران را تهدید می‌نماید و به اسم حفظ امنیت، سلسله‌جنبان انواع اغتشاشات و ناامنی‌ها شده‌اند...» (رجایی، ۱۳۸۶: ۲۴۷-۲۴۴).

نمونه‌ای از این اعتراض‌نامه‌ها، شکواییه‌ای رسمی است که تبریزیان به سفارت‌های اتریش، انگلیس، روسیه، عثمانی، آلمان، فرانسه، ایتالیا، امریکا، بلژیک، هلند و نیز به نایب‌السلطنه، مجلس شورای ملی، کابینه وزراء، روزنامه ایران، استقلال ایران، شرق و مجلس ارسال کردند و در آن، ضمن اظهار وجود امنیت کامل در تبریز و تجارت باثبات در این ناحیه، از "سوء سلوک" قشون روس سخن به میان آوردند؛ همچون بی‌حرمتی که نسبت به ثقه‌الاسلام روا داشته شد که این نامه را ۶۲ نفر از اعیان تجار تبریز به نیابت از عموم تجار تبریز امضاء کردند.

### ج) ترک جشن عید نوروز و اعلام عزاداری

یکی از موارد جالب و فراگیر در واکنش به حضور قشون خارجی در ایران، اعلام ترک برگزاری جشن‌های عید نوروز بود که از دیرباز برای ایرانیان اهمیت خاصی داشت. ملت از مهم‌ترین جشن‌های خود چشم‌پوشی کرد تا نشان دهد حضور بیگانگان تا چه حد آزاردهنده است. تلگرافی در ۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ق. / ۲۷ اسفند ۱۲۸۸ ش. / ۱۸ مارس ۱۹۱۰ م. از سوی علمای برجسته پایتخت به اصفهان، شیراز، تبریز، کرمان، مازندران، یزد، قزوین، قم، کاشان، خراسان، سبزوار، شاهرود، استرآباد، کرمانشاهان، همدان، سمنان، عراق، بروجرد، کردستان، زنجان، اردبیل، رشت، آستارا، بندربوشهر و بندرعباس بدین شهر ارسال شد: «خدمت علمای اعلام و حجج اسلام، دامت برکاتهم! با کثرت کدورت و ملالت که در قلوب عامه ملت ایران از طول توقف قشون اجانب حاصل است، عموم طبقات از علما و تجار و طبقات اصناف، در موقع عید ملی وظایف عید را ترک و به تمام ملل حسنه عالم این جشن ملی خود را مشهود می‌دارد. البته علمای اعلام و تجار و طبقات اصناف با سایر طبقات در این امر مهم مساعدت خواهند فرمود. عبدالله بهبهانی، محمد ابن صادق طباطبایی، صدرالعلماء، امام جمعه، شیخ عبدالحسین، محمدرضا قمی، احمد حسینی، مرتضی ابن محمدحسن آشتیانی، حسین رضوی قمی، علی آقای طباطبایی، ریحان الله، الداعی محمد بن عبدالموسوی بهبهانی» (شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۷۶؛ ترکمان، ۱۳۷۰: ۱۱۶).

در استرآباد شیخ حسین رئیس انجمن، در مسجد، تلگراف بالا را خواند و در سخنرانی آتشینی همگان را دعوت کرد تا ارتش روسیه و روس‌ها را از ایران بیرون کنند. اینکه ایرانیان تا مرگ آماده‌اند و از مردم خواست تا جشن نوروز را لغو کنند و لباس عزا بپوشند. روحانیان و بازرگانان کرمانشاه هم به تبعیت از تهران، تصمیم گرفتند نوروز را به اعتراض به حضور ارتش روسیه در قزوین، جشن نگیرند و فرماندار، کارگزار و سایر دولتیان نیز برنامه‌های دیداری نوروزی را لغو کردند (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۷۳).

تلگرافی از رشت بدین مضمون به انجمن‌های ایالتی و ولایتی مخابره شد: «اهالی ایالت سرحدتی از طول اقامت قشون دولت همسایه در داخله ایران به قسمی ملول و مکدر شده‌اند که رسماً به انجمن مقدس اطلاع داده‌اند که ما اهالی فردای دهم عموماً با بیرق‌های کوچک سیاه از کوچه و بازار عبور کرده در سبزه میدان مجتمع می‌شویم باید شماها که نمایندگان مملکت ما هستید در آن نقطه حاضر و مشاهده کنید که از لوازم عید سعید قومیت ایرانیست شش هزار ساله که یک هزار و سیصد و بیست و هشت سال است به سمت رسمیت مذهب هم مشرف گشته دست شسته اظهار مسرت و ابتهاج و عشرت را به سوگواری مبدل کرده ایم و متعهدیم مادامی که این قشون در داخله مملکت ما هست به همین منوال مرسمات قبل خودمان را به عملیات سوگواری آشکارا داریم و از شماها می‌خواهیم از این حال مشاهده فعلی را به ضمیمه حسیات قلبی به تمام دنیا از داخله و خارجه ابلاغ نمایید...» (حبل‌المتین کلکته، ش ۴۳، ص ۱۷، ۱۵، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۲۸).

در اصفهان «برحسب تلگراف که در متروک داشتن ترتیبات و اقدامات عید نوروز از طرف علما و تجار و اعیان و کسبه و اصناف صادر شده بود صورت تلگراف را طبع نموده و به تمام معابر چسبانیده و به همین جهت مراسم عید را به کلی موقوف نموده‌اند. در سلماس تمام علما و اعیان و اهالی پریروز در مسجد اجتماعی نموده و نطق‌های مفصلی کرده‌اند که از طول توقف قشون اجانب در این موسم عید برای اهالی ایران عزا شده و تحمل ما تا چقدر مردن بهتر از این زندگانی است و همگی با چشم‌گریان متفرق شده ابداً عیدی در میان نیست. به واسطه افسردگی و ملالتی که عموم اهالی این ولایت از

طول توقف قشون اجانب دارند تبریز به کلی مراسم عید را موقوف علما هم منزوی هیچکس دید و بازدید نمی کند از طرف حکومت هم رسومات عید از قبیل شلیک توپ و غیره به عمل نیامده است» (روزنامه مجلس، ش ۹۳، س ۳، ص ۴، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۲۸). تلگرافاتی نیز با مضامین مشابه از کرمان و یزد مخابره شد (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۴۳، س ۱۷، ص ۱۶، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۲۸).

چنانکه اهالی بروجرد نیز «بازار و قهوه خانه‌ها را بسته و با حالت حزن‌انگیزی در مساجد مجتمع و ترک قند و چای و امتعه روس را نمودند» (آرشیو وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۷-۱۷-۳۶-۱۳۲۹ق.). در گزارش شریف‌الملک از اوضاع اردبیل در ۱۴ ربیع الاول ۱۳۲۸ق. / ۵ فروردین ۱۲۸۹ش. / ۲۶ مارس ۱۹۱۰م. چنین آمده است: «از طهران قبل از عید علما تلگرافاً اطلاع داده بودند عید گرفته نشود... مردم به کار و کسب مشغول باشند. از اول عید که روز نهم بود قبل از تحریر بازار به کلی بسته بود فردا و پس فردا را هم بعضی باز و بعضی بسته بودند دیروز و امروز که چهاردهم است بازار باز است» (همان: سند شماره ۱-۵۵-۴-۲۱-۱۳۲۸ق.).

در نمونه‌ای دیگر، محمدحسین علی‌زاده، مدیر مدرسه‌ای در مراغه، در پاسخ به اعتراض دانش‌آموزان برای خودداری از تعطیلی مدرسه در عید نوروز، سبب را حضور قشون روس در کشور عنوان کرد. دانش‌آموزان همه یکصدا گفتند: «کفن حاضر بکنید برویم یا قشون اجانب را از مملکت خودمان بیرون [کنیم] یا تماماً کشته [شویم] و مملکت پاک اسلام را از قشون خارجه تمیز کنیم. مدیر هم با نصایح مشفقانه به ایشان فهماند که حفظ مملکت در آتیه به دست آنها خواهد بود و حالا وقت و زمان مقتضی این عمل نیست» (روزنامه حبل المتین کلکته، ش ۴، س ۱۸، ص ۱۲، ۱۰ رجب ۱۳۲۸).

واکنش به حضور قشون خارجی در ایران / ۱۰۳

همچنین قصیده‌ای در روزنامه ایران نو در انصراف از عید نوروز به چاپ رسید:

عید را امسال در ایران گذاری هست، نیست

اعتبارش نزد یک با اعتباری هست، نیست

هر که در امسال گیرد عید ایرانی است، نیست

در میان جمع بر رغم پریشانی است، نیست

خاک ایران را از این پس جای مهمانی است، نیست

در عزا بنشستگان را جامه الوانی است، نیست

ملت ما عید اگر گیرد زهی دیوانگی است

دولت ما جشن اگر گیرد زهی بیگانگی است

این نسیم تیره از سمت شمالی نیست، هست

این جفا بیجا و آن مطلب خیالی نیست، هست

ای وطن گر سینه‌ات پامال سم اسب‌ها است

گر تنی از محنت بیگانگان در ابتلا است

در عزا هرگز نگیرد عید مرد خوش سیر

ای وطن خواهان از این نوروز و این عید الحذر

(شریف کاشانی، ۱۳۶۲: ۴۷۹-۴۷۷)

مطبوعات و حضور قشون خارجی در کشور

پس از افتتاح مجلس، روح تازه‌ای در مطبوعات ایران دمیده شد و فعالان سیاسی و نویسندگان، بر قانون اساسی، منافع و مصالح کشور تأکید می‌کردند (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۵۶). از جمله هر کدام از نویسندگان می‌کوشیدند ذهن ایرانیان را نسبت به زیان‌های حضور قشون روس روشن کنند.

روزنامه حبل‌المتین کلکته که خارج از ایران چاپ می‌شد، حتی در دوره رکود روزنامه‌ها و استبداد صغیر محمدعلی‌شاه نیز فعال بود و پیوسته اخبار ایران را منتشر می‌کرد. یکی از مهم‌ترین موضوعات این روزنامه پس از واقعه فتح تهران، "اخراج قشون بیگانه" از کشور بود؛ از آن جمله در ش ۱۱، س ۱۷، ص ۲۴ (۴ رمضان ۱۳۲۷ ق. / ۲۸ شهریور ۱۲۸۸ ش. / ۲۰ سپتامبر ۱۹۰۹ م.) نویسنده این روزنامه نوشت: «علت دخول قشون روس در ایران همانا تجاوز و طمع و شهید کردن آزادی و پایمال نمودن حقوق استقلالیه ایران است و رفع آن نه به امنیت مملکت و حفظ رعایای خارجه و نه تمکین و چاپلوسی تواند شد و قیام قشون خارجه بالطبع مانع امنیت [است] و دارد آتش فتنه را دامن می‌زند». در نمونه‌ای دیگر، که قصد نویسنده الگوسازی مبارزه با این پدیده بوده، در مقاله‌ای تحت عنوان "وظیفه ایرانیان چیست" آورده است: ایرانیان راست که موقع نازک خود و خیالات همسایگان را به خوبی شناخته و در حفظ حقوق استقلالی خویش پای بیفشردند و پای فشردن در این امر باید منوط به این ترتیبات باشد:

۱. پروتست‌های مدللانه و محقانه ملی در اقدامات مجحفانه همسایگان و ظاهر داشتن عدم ضرورت قیام قشون اجنبی و خلف عهد آنها؛ ۲. به دست آوردن تصدیق‌نامه از نمایندگان دول در هر نقطه در امنیت و حسن انتظام و عدم خوف مال و جان رعایای خارجه، چه قانوناً این گونه تصدیق‌نامه‌ها در مواقع خود خاصه در موقع حکمیت بیش از آنچه به تصور آید مفید تواند بود؛ ۳. اعتراض ملت به دولت و سختگیری دولت رسمانه به همسایگان در حرکت دادن قشون خود و در صورت عدم قبول پروتست و رجوع رسمی به دول سایره؛ ۴. ترک استعمال امتعه دول متجاوز و ایستادگی در این موضوع تا وقتی که کاملاً مقصود به عمل آید (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۱۲، س ۱۷، ص ۹، ۱۱ رمضان ۱۳۲۷).

نویسنده روزنامه زاینده‌رود اصفهان نیز در مقاله‌ای با عنوان "چرا امسال عید نداشتیم" نوشت: «... پس ما ملت ایرانیه یکی از ملل قدیمه عالم هستیم که در هر وقتی به قبول تمدن تازه، حفظ استقلال و شرافت خود را کرده‌ایم و محض یادآورد قدم عهد خود آثار و مراسم قدیمه خود را که قدم عهد ما را به قومیت و شرافت نشان می‌دهد و در حکم تاریخ قومیت ماست بایست حفظ و منظور داریم که از آن جمله است عید نوروز که یادگار جم و نشانه قدم ماست... اما اگر وقتی شد که لوازم فرح و شادمانی از برای ما فراهم نیست و مانعی در کار است چون معنای عید محقق نیست قیام به لوازم آن وجه صحت ندارد... امسال را هم حب وطن، که همانا عبارت از دوستی اسلام است، باز اجازه نداد که عید بگیریم. آن سرور و نشاط سابقه را نمی‌توانستیم تجدید کنیم. چرا که یک روز قدرت ما به حدی بود که اجانب نمی‌توانستند به طرف ما نگاه کنند، امروز بدون هیچ حق قانونی قشون روس در وطن ما، که مدفن نیاکان ماست، خیمه افراشته و در چند نقطه آن مسکن ساخته. کجا می‌توانیم عید داشته باشیم و از سرور پیشین خود یاد آوریم؟ و از قدرت اسلاف خود معرفی کنیم؟ در صورتی که خوابگاه آنها محل رحل اقامت عسکر اجانب شده؟ چطور وطن دوستی به ما اجازه می‌دهد عید کنیم در صورتی که جماعتی از اجانب در کنار وطن نشسته؟ چطور می‌توانیم عید بگیریم در صورتی که این مملکت شش هزار ساله دستخوش بهانه جویی اجانب شده؟ چطور می‌توانیم عید بگیریم در صورتی که می‌بینیم تعدیات اجانب می‌خواهد جان فشانی‌های ملت ایران را به هدر ببرد؟ چطور می‌توانیم عید بگیریم در صورتی که دولت با آن همه تحمل خسارت، رفع شرارت رحیم خان را می‌کند، دولت روس دسته قشون به اهر حاکم نشین قراچه داغ بفرستد؟ کجا غیرت ایرانی اجازه می‌دهد که در چنین موقعی عید بگیرد؟ عصبیت اسلامیت کجا روا می‌دارد که مسلمانان در عوض تعزیت به یکدیگر تهنیت بگویند؟ حس ایرانیت چطور راضی می‌شود که در موقع غمناکی شادمانی کند؟ چنانچه در اصفهان ابدأ آثار عید مشهود نشد. ادارات باز و مشغول به کار انتظامات داخله، تمام تجار و کسبه مشغول تجارت و کسب. مراسم عید را به کلی متروک ساخته، موقع عید و شادمانی را به روزی که قشون روس از خاک ایران برود گذاشته» (روزنامه زاینده‌رود، سال ۲، ش ۱۰، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸).

چنانکه روزنامه مجلس در صفحه نخست شماره ۹۱، اعلامیه‌ای از "علمای اعلام و حجج اسلام تهران به عموم ولایات مبنی بر ترک عید و مرسومات آن" چاپ کرد (روزنامه مجلس، ش ۹۱، س ۳، ص ۱، ۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۸). در شماره بعدی این جریده نیز با اشاره به پیشینه عید نوروز ضمن مقاله‌ای آمده است: «بدبختانه حوادث سال گذشته بقدری اسف‌آمیز و گریه‌انگیز است که تا آن حوادث در برابر انظار ما باقیست و مرور ایام حدث اثرش را زایل نساخته اشتغال به جشن و شادمانی به هیچ‌وجه میسر نبوده و طبایع ابداً رغبت ندارند ... به علاوه آنکه هنوز پرده این تیتر فجیع آمیز افکنده نشده و یک قسمت بزرگی از بدبختی این ملت که طول توقف قشون اجنبی در خاک وطن عزیز باشد رفع نشده و متصل رقت و حزن ملت تجدید می‌نمایند این است که بر حسب دستور پیشوایان و اشاره بزرگان مراسم عید در این سال به عمل نیامده و رسوم و عادات متداوله موقتاً امساله متروک گردید» (همان، ش ۹۲، س ۳، ص ۱، ۱۴ ربیع‌الاول ۱۳۲۸).

در روزنامه نوبهار مشهد، ضمن مقاله‌ای از «ترک امتعه روس» و مبارزه غیرمستقیم سخن به میان آمده است: «چیزی که استقلال ما را تأمین می‌کند همانا اول مبارزه غیرمستقیم است با متجاوزین. از آن پس اگر فاتح نشدیم فداکاری و از خودگذشتگی و مبارزات مستقیم خواهد بود. امروز باید احکام حجج اسلام را قوت داده پشت دین محمدی را به این مبارزه دشمن کش قوی سازیم» (روزنامه حبل‌المتین کلکته، ش ۳۸، س ۱۸، ص ۱۸، ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸).

نویسنده‌ای در روزنامه ایران نو (شماره ۱۱۲) نوشت: «به نظر می‌آید که در شمال، پاهای روسی در پوتین‌های انگلیسی و در جنوب دست‌های انگلیسی در دستکش‌های روسی ایران را می‌کوبد». این روزنامه سیاست روسی خروج ارتش از یک نقطه (اردبیل) و پیدا شدن آن در نقطه دیگر (اهر) را دورویی می‌خواند: «تا هنگامی که برای پذیرفتن شرایط قرض آینده پافشاری می‌کنند ارتش روس در ایران باقی می‌ماند، قرضی بسیار سنگین که کشور را از استقلال محروم می‌کند» (کتاب نارنجی، ۱۳۶۸: ۱۳).

## نتیجه

یکی از مهم ترین مشکلات ایرانیان پس از واقعه فتح تهران، حضور قشون خارجی در کشور بود. در کنار مجلس و دولت، مردم خود وارد عمل شدند و نسبت به حضور نیروهای نظامی بیگانه در کشور به سه شیوه اعتراض کردند.

نخست، اعلام نارضایتی از طریق تحریم کالاهای روسی بود. در مجلس اول این رویکرد اقتصادی به شکل کاهش استعمال اجناس خارجی و تکیه بر تولیدات داخلی برای رسیدن به استقلال اقتصادی آشکار شد. اما در این مرحله که تجاوز آشکار نظامی روس بر همگان مبرهن شده بود و ایرانیان برای آنکه بهانه به دست متجاوزان ندهند، از اقدامات تهاجمی نظامی پرهیز می کردند. این حربه اقتصادی، یعنی تحریم را می توان یکی از کارساز ترین راه های مقابله ملی دانست. البته اگر همه ایرانیان به جریان تحریم می پیوستند، این شیوه مفیدتر واقع می شد و به دولت متجاوز، زیان هنگفت می رساند. در حال حاضر آمار دقیقی در دست نیست تا بتوان در باب تفاوت درآمد روسیه، قبل و پس از تحریم داوری کرد.

شیوه دوم، ارسال نامه و تلگراف به مجامع اروپایی و نهادهای بین المللی بود تا با برانگیختن احساسات عمومی نسبت به مظلومیت ملت ایران و عدم مشروعیت حضور و فعالیت روس و انگلیس در کشور، همدردی و یاری ملل دیگر را جلب کنند.

در شیوه سوم که سخت نادر بود، ایرانیان برای اعتراض، جشن های باستانی و ملی نوروز را لغو و حتی اعلام عزاداری و سوگواری کردند، تا بدین طریق به جهانیان بفهمانند، وقتی هر روز از گوشه ای از کشور ناله هم وطنی به گوش می رسد که در اثر ظلم بیگانگان در رنج و عذاب است، هیچ مراسمی حتی جشن بزرگ نوروز، نمی تواند شادی را به مردم بازگرداند.

در مجموع، ایرانیان با درک ملی از موقعیت سیاسی کشور و لزوم اتحاد در مقابل قشون نظامی بیگانه، صدا به اعتراض و نارضایتی بلند کردند. در شرایطی که امنیت و حیثیت ایرانیان به سبب مداخلات بیگانگان سخت در معرض تهدید قرار داشت، مردم

کوشیدند تا همگام با سیاست‌های دولت، موازنه‌ای منفی و ملی را در برابر متجاوزان خارجی دنبال کنند. در این مسیر آنان با ثبات و جدیتی ستودنی، زندگانی اجتماعی خود را مطابق شرایط روز دگرگون کردند.



۱۱ - ۲۲

از شهید به ایران اداره تاسکرافنی دولت علیه ایران صفحه

نمبره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب	اطلاعات
۱۲	۱۸۰	روز ۲۵ ساعت دقیقه	

مجلس سیدین مگراف عالی راجع به دعوات دروغ چنانچه رسیده در روز ۲۵ خرداد یک را مقرر شد در هر طرف وقت قشون  
 روس و تدبیرات فوق الحاده آنها کارهای را بجا نیاورد و در این باره در اینست بر لزوم شش به اینجی شکل با نرسیدن  
 و جمعاً به طبقات ملت به بیان فوق الحاده در اینجی اجتماع کرده تحریم همه ترک تار است و فوق آن را پیش نهاد و فخر نماند  
 به بار خروج هر دو جن بر دروغی در نزدیک بود کار از دست و در اینست گفته که در این اجتماع ترک نشود به است برود حصول  
 و به خروج قشون خارجه روس از فرسای و سر شاط و ترک تدبیرات آنها نمی توان آنگاه را بحدیست به شمال خود ادعا و امور هر دو ملیت است  
 مردم را از اینجی چه فراموش فرماید تا بتوان ملت را بکنده دولت اینجی تصادم را در جهت است ساشه سرین لبون الموقی به نخستین شیخ و اینست  
 نمایند اگر اندر گمان هر دو صد از همه به عین دکار صورت بگرسیاید که در صلاح آن از قوه خارج خواهد بود نموده (۲۴۹۵) اینجی است و این در اینجی

تاریخ	مهر شهر	ساعت	دقیقه	ای نیل	سه ۱۳۲۹
-------	---------	------	-------	--------	---------

تلگراف انجمن ایالتی خراسان به نمایندگان مجلس شورای ملی در اعلام اجتناب مردم  
 آن ایالت از کالاهای روسی  
 آرشیو اسناد مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۲۳/۶/۳۰/۱۳/۱۴۳/۲

رپرت ۷، قوس بروجرد

امروزه در ایالت بروجرد عید کوفته تمام بازار و قهره خانه ها را بسته با یکدیگر سخن می‌گویند  
و یکصد شیخ ترک قتل‌گزاران را در این شهر کشته کرده اند و در این شهر و اطراف آن  
کوه‌ها را بسته اند و حقوق ندارند و تمام روستاها را با یکدیگر بسته کرده اند  
مقتل‌گزاران بروجرد که تاکنون کشته شده اند در این شهر کشته شده اند



گزارش به وزارت امور خارجه در تحریم عید و امتناع مصرف کالاهای روسی از سوی

اهالی بروجرد

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۷-۱۷-۳۶-۱۳۲۹ق.

رپرت کازرون ۱۵ دی

امروز عصر در مسجد ترک کازرون معروف مسجد زینم امانی و در آنجا عید و تجار  
و هنرمندان حاضر شدند و گفتند که در این روز و در این وزارت امور خارجه و در این  
قره‌ها کشته شده اند و تمام روستاها را با یکدیگر بسته کرده اند و در این شهر  
کشته شده اند و در این شهر کشته شده اند



گزارش ترک کالاهای روسی و تنفر مردم کازرون از سیاست‌های متجاوزانه روسیه

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، سند شماره ۱۸-۱۷-۳۶-۱۳۲۹ق.

## منابع و مأخذ

### اسناد:

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی  
مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه

### کتاب‌ها:

- آبادیان، حسین، ۱۳۸۳، *بحران مشروطیت در ایران*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آفاری، ژانت، ۱۳۷۹، *انقلاب مشروطه ایران ۱۹۰۶-۱۹۱۱*، ترجمه: رضا رضایی، تهران: نشر بیستون.
- آوری، پیترو، ۱۳۶۳، *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه*، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اوکانر، سر ویلیام فردریک، ۱۳۷۶، *از مشروطه تا جنگ جهانی اول: خاطرات فردریک اوکانر*، ترجمه: حسن زنگنه، تهران: شیرازه.
- ایوانف، م.س، ۲۵۳۷، *انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- براون، ادوارد، ۱۳۸۰، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه: مهری قزوینی، تهران: کویر.
- پاولویچ، م و و.تریانس.ایرانسکی، ۱۳۵۷، *سه مقاله در باره انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه: م. هوشیار، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- تقی‌زاده، سید حسن، ۱۳۵۹، *اوراق تازه‌یاب مشروطیت*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: جاویدان.
- ترکمان، محمد، ۱۳۷۰، *اسنادی در باره هجوم انگلیس و روس به ایران (۱۲۸۷ تا ۱۲۹۱ ش.)*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- رجایی، عبدالمهدی، ۱۳۸۶، *اصفهان از انقلاب مشروطه تا جنگ جهانی اول*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- رسول‌زاده، محمد امین، ۱۳۷۷، *گزارش‌هایی از انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه: رحیم رئیس‌نیا، تهران: شیرازه.
- سیف، احمد، ۱۳۷۳، *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*، تهران: نشر چشمه.
- شریف کاشانی، محمد مهدی، ۱۳۶۲، *واقعات اتفاقیه در روزگار*، به کوشش: منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.

- ۱۳۶۸، کتاب نارنجی، ترجمه: پروین منزوی، تهران: کتاب پرواز.
- کسروی، احمد، ۱۳۸۳، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، تهران، امیرکبیر.
- گروته، هوگو، ۱۳۶۹، سفرنامه گروته، ترجمه: مجید جلیلود، تهران: نشر مرکز.
- مستشارالدوله صادق، ۱۳۶۱، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، جلد ۱، به کوشش: ایرج افشار، تهران: فردوسی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۶۲، خاطرات و اسناد مستشارالدوله صادق، جلد ۲، به کوشش: ایرج افشار، تهران: فردوسی.
- ملکزاده، مهدی، ۱۳۳۰، تاریخ انقلاب مشروطیت، جلد ۳، مصحح: مرتضی پارسا، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- نوابی، عبدالحسین، ۲۵۳۵، دولت‌های ایران از آغاز مشروطیت تا اولتیماتوم، تهران: بابک.
- \_\_\_\_\_، ۲۵۳۶، فتح تهران: گوشه‌هایی از تاریخ مشروطیت ایران، تهران: بابک.
- نیکیتین، باسیل، ۱۳۲۹، ترجمه و نگارش فره‌وشی: (ترجمه همایون سابق)، با مقدمه: ملک الشعراء بهار، تهران: کانون معرفت.
- ویشارد، جان، ۱۳۶۳، بیست سال در ایران، ترجمه: علی پیرنیا، تهران: انتشارات نوین.

#### نشریات:

- حبل‌المتین کلکته، سال ۱۴-۲۲، « لوح مطبوعات فارسی ایران»، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- زاینده‌رود، سال دوم، ۱۳۲۸.
- مجلس، سال ۵-۱، « لوح مطبوعات فارسی ایران»، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.